

تأملی کوتاه بر

هجای کشیده

فتح اله قاسمی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
مدرس مراکز آموزش عالی پیام‌نور و دبیر
دبیرستان‌های بوشهر

چکیده

در این پژوهش، چگونگی کاربرد درست «هجای کشیده» در کتاب‌های درسی بررسی شده است. علت این بررسی، کاربرد نادقیق و غیرعلمی آن در کتاب‌ها و مسامحه و بی‌توجهی نسبت به این امر است.

کلیدواژه‌ها: هجای کوتاه، هجای کشیده، شعر، وزن، عروض، نشانه

مقدمه

شعر چیست؟ وزن کدام است؟ آیا جز این است که «شعر مانند خون در رگ‌های بشر جاری است و انسان‌ها از اوانی که قدم به ساحت دنیا گذاشته‌اند، احساسات و عطف را لمس کرده‌اند؟» (عبداللهی، ۱۳۶۹: ۹).

«وزن» را موسیقی شعر می‌خوانند و کیست که نداند موسیقی مناسب چه تأثیری بر روح و روان و حتی زندگی انسان دارد. موسیقی خوب وسیله تسخیر روح انسان‌ها، حیوانات، نباتات و حتی جمادات است. امروز ثابت شده است که وزن و آهنگ موجب شیردهی بیشتر گاوها می‌شود، رشد و پرورش گل را سریع‌تر می‌کند، قدرت تخیل را بالا می‌برد، موجب

هماهنگی اعضا و جوارح بدن می‌شود، آرام عضلات بدن را تسکین می‌دهد، گوش را می‌نوازد و دل را آرام می‌کند. وزن و آهنگ، غبار روزمرگی و یکنواختی را از دفتر

ممکن است کسی
بگوید کتاب، شیوه آسان
یادگیری را آموزش داده
اما علم عروض ایجاب
می‌کند که شیوه درست
آموزش داده شود

سخن می‌زداید و آن را در قالب عروضی زیبا می‌آراید و عرضه می‌کند.

اکنون بحث بر سر وزن شعر است. وزن که «در شعر جنبه تزئینی ندارد بلکه جزء طبیعت و شعر است و برای نشان دادن عواطف نمی‌توان از آن چشم پوشید» (گروه مؤلفان، ۱۳۹۷: ۲۲). از آنجا که «وزن، آشکارترین ابزار

موسیقایی شعر است» (همان: ۴۷)، رعایت هجاها، مهم‌ترین ابزار موسیقایی وزن است. پس برای تشخیص این موسیقی شرایط ایجاب می‌کند که از این ابزار (هجابندی) به بهترین صورت ممکن استفاده کنیم تا با خوانش صحیح شعر، دریافت وزن و آهنگ آن آسان‌تر شود.

سال‌ها پیش، تقی وحیدیان کامیار عروض علمی را که با شیوه قدما اندکی تفاوت داشت، با زبانی ساده بیان کرد و کوشید «حتی‌الامکان پیوند با عروض سنتی را نیز حفظ کند و در حقیقت در آن، تنها اشکالات و تناقضات مهم عروض سنتی کنار گذاشته شود» (گروه مؤلفان، ۱۳۸۵: ۲۰).

بنابراین، در عروض جدید هجاها را به سه نوع کوتاه، بلند و کشیده تقسیم کرد و بیان نمود که «هجای کشیده دارای چهار یا پنج حرف است و با علامت (آ) نشان داده می‌شود؛ مانند کلمات نرم، پار و پارس. چنان‌که می‌بینیم، هر هجای کشیده برابر یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۵)؛ یعنی سه واج اول برابر با یک هجای بلند و دو واج بعدی معادل یک هجای کوتاه است. «دقت کنید که یک یا دو حرف آخر هر



هجای کشیده، هجای کوتاه نیست بلکه از نظر امتداد هجاها، در حکم یک هجای کوتاه است» (اردلانی، ۱۳۸۵: ۱۸)؛ زیرا هجای فارسی باید دارای یک «مصوت» باشد و هرگاه مصوت به همراه صامت آمد، خود هجای کوتاه یا بلند دیگری می‌سازد و از حوزه هجای کشیده خارج می‌شود. اکنون بحث اصلی همین جاست که هر هجای کشیده هم مانند هجای کوتاه و بلند، فقط یک واحد گفتار است و با هر ضربه، هوای ریه به بیرون رانده می‌شود بنابراین، باید نشانه هجای کشیده به هم متصل نوشته شود یا اگر در حروف چینی (کامپیوتری) امکان نوشتن این نشانه به صورت متصل وجود ندارد، لاقلاً هر دو علامت در کنار هم و در یک ستون قرار گیرند. (جدول شماره ۱)؛ موردی که دکتر وحیدیان در همه آثار خویش و حتی قافیه و عروض دبیرستان رعایت کرده ولی متأسفانه در هیچ یک از کتاب‌هایی که درباره عروض چاپ شده و نیز، کتاب‌های تألیفی جدید، رعایت نشده است. خانم اردلانی نوشته است: «دقت کنید که یک یا دو حرف آخر هجای کشیده، هجای کوتاه نیست بلکه از نظر امتداد هجاها در حکم یک هجای کوتاه است.» همین مطلب

می‌رساند که ما باید هجای کشیده را در یک ستون قرار دهیم نه در دو ستون؛ زیرا در کلماتی که هجای کشیده دارند، بخش کشیده را به صورت یک هجا می‌خوانیم نه دو هجا، و متأسفانه همین کتاب و کتاب‌های مشابه همگی این اشتباه را مرتکب شده‌اند (جدول شماره ۲). مثلاً اگر از ما بپرسند مصراع «شاد زی با سیاه چشمان شاد» چند هجا دارد، مطابق آموزه‌های کتاب، باید گفت ده هجا؛ در حالی که هر کس اندکی عروض بداند خواهد گفت که این مصراع فقط هشت هجا دارد.

عروض و نادیده انگاشتن آن، آموزش نادرست آن را در پی دارد و خطای عروضی پیش می‌آورد؛ مثلاً در صفحه ۴۹ علوم و فنون ادبی (۳) در توضیح بیت: «سعدی نظر از رویت کوتاه نکند هرگز/ و روی بگردانی، در دامن آویزد» آورده است: «با توجه به پایه‌های آوایی بیت و مقایسه هجاها دو مصراع پی می‌بریم که شاعر در هجای پنجم مصراع اول و دوازدهم مصراع دوم از اختیار زبانی حذف همزه استفاده کرده است» (گروه مؤلفان، ۱۳۹۷: ۴۹)؛ در حالی که اگر براساس

شاد	مان	چش	ه	یا	س	با	زی	د	شا	نادرست
شاد	مان	چش	یاه	س	س	با	زی	شاد	درست	

پس ما باید یا هجای کشیده را در یک ستون قرار دهیم و یا با خطی نقطه‌چین بین هجا، مشخص کنیم که هجا کشیده است و با این کار، عروض را به درستی آموزش دهیم (جدول شماره ۳). برای مقایسه می‌توانید به (وحیدیان، ۱۳۸۶: ۱۱ - ۱۵)، (گروه مؤلفان، ۱۳۹۷: ۲۳ - ۲۵ و ۵۰ - ۵۳ و ...) و (اردلانی، ۱۳۸۵: ۲۵ و ۲۶ و ...) مراجعه کنید. قطعاً رعایت این امر، آموزش درست

هجاها (و نه نشانه هجا) حساب کنیم، باید گفت در هجای یازدهم مصراع دوم نه دوازدهم؛ زیرا واژه «روی» در هجای دوم رکن اول، هجای کشیده است و چون در کتاب به صورت یک نشانه بلند و یک نشانه کوتاه آمده، این اشتباه هجایی را به وجود آورده است. پس، یا باید گفت هجای یازدهم، یا دوازدهمین نشانه هجایی، که قطعاً با دانسته‌های دانش‌آموزان همخوانی ندارد.



س	د	ن	ظ	ر	ز	و	ی	ک	ن	ت	ه	ک	ن	د	ر	گ
و	ر	وی	ب	ب	گ	دا	دا	تا	وی							

«برآشفت ایران و برخاست گرد» که در این صورت هم شیوه خوانش نادرست خواهد شد و هم تعداد هجاها فرق خواهد داشت.

چنان که ملاحظه می‌شود، مصراع اول ۱۴ هجایی و مصراع دوم ۱۳ هجایی است؛ زیرا یک هجای کشیده دارد.

یا بیت:
چو بشنوی سخن اهل دل مگو که
خطاست سخن شناس نه‌ای جان من، خطا
اینجاست

چ	بش	ن	وی	س	خ	ن	اه	ل	دل	م	گو	ک	خ	طاست
س	خن	ش	نا	س	ن	ای	جا	ن	من	خ	طا	این	جاست	

همان‌گونه که دیدیم، شمار هجاهای مصراع نخست، ۱۵ هجاست و مصراع دوم ۱۴ هجا دارد»

جدول‌ها

جدول شماره ۱: توجه به واژه «خاست» در مصراع دوم (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۱۱)
جان= جا = - - ؛ برین = بری = U - و خون = خو = - - :

مَد	رُب	جَان	دِ	لَم	رَا	کِ	اَیْن	مُر	غِ	وَح	شِی
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
ز	بَا	مِی	کِ	بَر	خَاسْت	مُشَد	کَل	نِ	شِیْب	نَد	
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	

اگر هجاهای مصراع اول را به ترتیب با هجاهای مصراع دوم بسنجیم، می‌بینیم که دقیقاً تعداد و نظم هجاها در هر دو مصراع (و در همه مصراع‌های یک شعر) یکسان است.

جدول شماره ۲: توجه به واژه‌های «ماه و سرو» و «مای و شای» در رکن اول هر بیت (گروه مؤلفان، ۱۳۹۷: ۲۳ و ۲۴)

پایه‌های آوایی	ماه ف رو	سَر و نَ با	ما ه نَ دز جَ	ما لِ مَ حَم	مَد
وزن	مفتعلن	شَد بَ اِ عِ تِ	فاعلات	مفتعلن	مَد
نشانه‌های هجایی	_UU_	_UU_	U_U_	_UU_	-
پایه‌های آوایی	بِن مای رُخ	بُگ شای لَب	کِ با غُ کُ	لِ سِ تا نَ ما	رِ زوست
وزن	مستفعلن	مستفعلن	مفاعِل	مستفعلن	رِ زوست
نشانه‌های هجایی	_U__	_U__	UU_U	_U__	_U

(گروه مؤلفان، ۱۳۹۷: ۸۵). در واقع، مصراع دوم دارای ۱۳ هجاست؛ زیرا یک هجای کشیده و یک ابدال (آوردن یک هجای بلند به جای دو کوتاه) دارد.

البته مؤلفان محترم در جایی بین واژه «خاست» را که یک هجای کشیده است، با نقطه‌چین مشخص کرده و شکل درست کاربرد هجای کشیده را رعایت نموده‌اند، اما نمی‌دانم چرا همین رویه در سایر صفحات و کتاب‌های پایه‌های بالاتر رعایت نشده است (گروه مؤلفان، ۱۳۹۷: ۶۹ و ۷۰).

در صفحات ۱۵ - ۱۳ کتاب «وزن و قافیه شعر فارسی» اثر وحیدیان کامیار، شکل درست قرار دادن هجای کشیده در یک ستون، نمایش داده شده است.

البته ممکن است کسی بگوید کتاب، شیوه آسان یادگیری را آموزش داده اما علم عروض ایجاب می‌کند که شیوه درست آموزش داده شود.

نتیجه‌گیری

با بررسی کتاب‌های درسی به این اشتباه پی می‌بریم که جداسازی هجای کشیده (U) به صورت یک هجای بلند و یک کوتاه، هم خوانش شعر را نامتعارف می‌سازد و هم تعداد هجاها را نادرست بیان می‌کند؛ مثلاً مصراع زیبایی «برآشفت ایران و برخاست گرد» را باید این‌گونه بخوانیم:

کِ شای لَب / بِن مای رُخ / کِ با غُ کُ / لِ سِ تا نَ ما

هجای سوم روزگار (گار) و درازنای (نای) در این بیت و «نیم» در نمی‌بینیم در بیت بعد (اردلانی، ۱۳۸۵: ۲۵ و ۲۶)

به تو حاصلی ندارد غم روزگار گفتن
که شبی نخفته باشی به درازنای سالی

بِ	تُ	حَا	صِ	لِ	نَ	دَا	رَدَ	غَ	مَ	رَوَ	زَ	گَا	رَ	گُفَ	تَنَ
U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
کِ	شَ	بِی	نَ	خُفَ	تِ	بَا	شِی	بَ	دِ	رَا	زَ	نَا	یِ	سَا	لِی

خلد چون به پا خاری آسان بر آرم

چه سازم به خاری که در دل نشیند

یاری اندر کس نمی‌بینیم یاران را چه شد
دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد
(حافظ)

یا	رِ	یِنَ	دِرَ	کَسَ	نَ	مِی	بِی	نِی	مَ	یا	رَانَ	رَا	چِه	شَدَ
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
دو	سَ	تِی	کِی	آ	خَ	رَا	مَدَ	دو	سَ	دَا	رَانَ	رَا	چَ	شَدَ

جدول شماره ۳: توجه به واژه «نیک» که یک هجای کشیده است.

ای مایه خوبی و نیکنامی

روزم ندهد بی تو روشنایی
(رودکی)

ای	ما	یِ	خو	بی	نِی	کِ	سَا	مِی
-	U	-	-	U	-	-	U	-

منابع

۱. اردلانی، شمس‌الحاجیه. (۱۳۸۵). عروض و قافیه. چ اول. بوشهر: انتشارات بوشهر.
۲. عبداللهی، رضا. (۱۳۶۹). بحشی پیرامون زحاف رایج در شعر فارسی. چ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. گروه مؤلفان کتب درسی. (۱۳۹۷). علوم و فنون ادبی (۱). چ سوم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۴. گروه مؤلفان کتب درسی. (۱۳۹۷). علوم و فنون ادبی (۳). چ اول. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۵. گروه مؤلفان کتب درسی. (۱۳۸۵). ادبیات فارسی (۱) (قافیه و عروض - نقد ادبی). چ دوازدهم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۶. وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۶). وزن و قافیه شعر فارسی. چ هفتم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.